



درس خارج فقه، مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۶ آذر ۱۳۹۶

مصادف با: ۲۸ ربیع الأول ۱۴۳۹

جلسه: ۳۱

موضوع کلی: فصل فی أفعال الوضوء

موضوع جزئی: الأول: غسل الوجه

سال تحصیلی: ۹۷-۹۶

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض شد که به نظر مرحوم سید (ره)، کسانی که موی جلو سرشان ریخته است و یا کسانی که جلو سرشان بیش از حد معمول، مو دارد و کسی که صورتش یا دستش از حد متعارف خارج شده است [، یعنی صورت و دستش عجیب و غریب است] به متعارف رجوع می‌کنند [، یعنی آن مقداری را باید بشویند که افراد معمولی و متعارف، می‌شویند]، پس باید ملاحظه کند که دست متعارف و معمولی تا چه موضعی می‌رسد و رستن گاه موی صورت متعارف از کجاست، پس آن مقدار متعارف را بشوید.

سؤال: اگر بین افراد متعارف، اختلاف باشد، تکلیف چیست؟

گاهی بین افراد متعارف نیز اختلاف وجود دارد و صورت بعضی از افراد متعارف، طولانی‌تر و صورت بعضی کوچک‌تر است و از نظر عرض نیز صورت این افراد متفاوت است، حال سؤال این است که تکلیف این افراد در هنگام وضو گرفتن چگونه است؟ آیا ملاک، آن افرادی هستند که صورتشان طولانی‌تر است یا ملاک، افرادی هستند که صورتشان کوچک‌تر است؟

پاسخ: به نظر می‌رسد که در صورتی که افراد متعارف از حیث طویل و قصیر بودن صورت با هم اختلاف داشته باشند، هر مکلفی باید به وظیفه خودش عمل کند چون فرض این است که این افراد از دایره متعارف خارج نیستند و هرچند که بین اینها نیز از حیث طویل و قصیر بودن صورت اختلاف است، لکن هر کسی باید به وظیفه خود عمل کند؛ به گونه‌ای که نزد عرف به متعارف بودن لطمه‌ای وارد نکند.

اما اگر افراد متعارف از حیث طویل و قصیر بودن انگشتان دست یا از حیث فاصله بین انگشتان با هم اختلاف داشته باشند، ولی صورت آنها متعارف و معمولی باشد، به این نحو که انگشتان یکی بلندتر و انگشتان دیگری کوتاه‌تر یا فاصله بین انگشتان یکی بیشتر و فاصله انگشتان دیگری کم‌تر باشد، در این صورت انگشتان کوچک‌تر از حیث طول و فاصله بین انگشتان، ملاک شستن قرار داده می‌شود، همچنین اگر انگشتان دو نفر به یک اندازه باشند اما صورت آن دو نفر از حیث عریض و کم عرض بودن، اختلاف داشته باشند، صورتی که از حیث عرض، کم عرض‌تر است ملاک قرار می‌گیرد.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و یجب إجراء الماء، فلا یکنی المسح به و حدّه أن یجری من جزء إلى جزء آخر و لو بإعانة الید و یجزئ استیلاء الماء علیه و إن لم یجر إذا صدق الغسل»^۱.

۱. سید محمدکاظم، طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۰۳.

به نظر مرحوم سید (ره)، هنگام شستن، واجب است که آب جاری شود، پس مس [صورت و دست‌ها] کافی نیست و حدّ جاری کردن آب این است که آب از یک جز به جزء دیگر جاری شود؛ هرچند که این جریان با کمک دست باشد و استیلاء آب بر [صورت و دست‌ها] اگر صدق شستن بکند، کافی است؛ هرچند که آب جریان پیدا نکند.

با توجه به کلام مرحوم سید (ره)، گفته می‌شود که در هنگام وضو گرفتن، نخست باید آب بر صورت و دست‌ها جاری شود [هرچند به کمک دست باشد]، ولی مس صورت و دست‌ها با دست خیس برای صدق وضو کافی نیست، ولی اگر آب بر صورت و دست‌ها استیلاء پیدا کند و شستن بر آن صدق کند، کافی است؛ هرچند که آب بر صورت و دست‌ها جاری نشود. مشهور بین فقها این است که غسل در وضو به جریان آب بر صورت و دست‌ها محقق می‌شود و صرف مس صورت و دست‌ها کفایت نمی‌کند.

روایاتی که در این رابطه وارد شده‌اند؛ چند طایفه‌اند:

طایفه اول، روایاتی به غسل و شستن صورت و دست‌ها؛ در هنگام وضو، دلالت دارند، که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «الْوُضُوءُ مَتْنِي مَتْنِي مَنْ زَادَ لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهِ وَحَكَى لَنَا وَضُوءَ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَغَسَلَ وَجْهَهُ مَرَّةً وَاحِدَةً وَذِرَاعَيْهِ مَرَّةً وَاحِدَةً وَمَسَحَ رَأْسَهُ بِفَضْلِ وَضُوئِهِ وَرِجْلَيْهِ»^۱.

روایت دوم: عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: «إِنْ نَسِيتَ فَغَسَلْتَ ذِرَاعَيْكَ قَبْلَ وَجْهِكَ فَأَعِدْ غَسْلَ وَجْهِكَ ثُمَّ اغْسِلْ ذِرَاعَيْكَ بَعْدَ الْوَجْهِ فَإِنْ بَدَأْتَ بِذِرَاعَيْكَ الْأَيْسَرِ قَبْلَ الْأَيْمَنِ فَأَعِدْ غَسْلَ الْأَيْمَنِ ثُمَّ اغْسِلِ الْيَسَارَ وَإِنْ نَسِيتَ مَسْحَ رَأْسِكَ حَتَّى تَغْسِلَ رِجْلَيْكَ فَاْمَسَحْ رَأْسَكَ ثُمَّ اغْسِلْ رِجْلَيْكَ»^۲.

طایفه دوم، روایاتی هستند که بر جریان آب بر صورت و دست‌ها؛ در هنگام وضو دلالت دارند که روایت ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «الْجُنْبُ مَا جَرَى عَلَيْهِ الْمَاءُ مِنْ جَسَدِهِ قَلِيلُهُ وَكَثِيرُهُ فَقَدْ أَجْزَأُهُ»^۳.

روایت دوم: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ غُسْلِ الْجَنَابَةِ؛ فَقَالَ: «تَبْدَأُ بِكَفَيْكَ فَتَغْسِلُهُمَا ثُمَّ تَغْسِلُ فَرْجَكَ ثُمَّ تَصُبُّ عَلَى رَأْسِكَ ثَلَاثًا ثُمَّ تَصُبُّ عَلَى سَائِرِ جَسَدِكَ مَرَّتَيْنِ فَمَا جَرَى عَلَيْهِ الْمَاءُ فَقَدْ طَهَّرَ»^۴.

دو روایت مذکور، در رابطه با غسل جنابت وارد شده‌اند و نامی از وضوء در این روایات نیامده است، لکن به ضمیمه قول به عدم فصل بین غسل و وضوء، داستان جری [جریان آب بر اعضا] در وضو نیز شرط است.

روایت سوم: عَنْ حَمَّادٍ عَنْ زُرَّارَةَ؛ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَرَأَيْتَ مَا كَانَ تَحْتَ الشَّعْرِ؟ قَالَ: «كُلُّ مَا أَحَاطَ بِهِ الشَّعْرُ فَلَيْسَ لِلْعِبَادِ أَنْ يَغْسِلُوهُ وَلَا يَنْحُتُوا عَنْهُ وَلَكِنْ يُجْرَى عَلَيْهِ الْمَاءُ»^۵.

«أَرَأَيْتَ» به معنای «أخبرنی» است، یعنی راوی از امام (ع) سؤال کرده است که نسبت به آنچه زیر مو است به من خبر بده که تکلیف چیست؟ حضرت (ع) فرمود که لازم نیست که شسته شود و از آن جستجو شود.

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۱، ص ۴۳۶، ح ۵.

۲. همان، باب ۳۵، ص ۴۵۲، ح ۸.

۳. همان، ج ۲، ابواب الجنابة، باب ۳۱، ص ۲۴۱، ح ۳.

۴. همان، ابواب الجنابة، باب ۲۶، ص ۲۲۹، ح ۱.

۵. همان، ج ۱، ابواب الوضوء، باب ۴۶، ص ۴۷۶، ح ۲.

روایت مذکور نیز بر این دلالت دارد که در وضو گرفتن، اجراء آب لازم است. همچنین، بر این دلالت دارد که لازم نیست که موها را باز کنند تا آب به پوست برسد.

طایفه سوم، روایاتی که بر این دلالت دارند که برای وضو گرفتن، مالیدن آب بر صورت و دست‌ها [مثل روغن مالی] کفایت می‌کند که روایت ذیل از آن جمله است:

عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع)؛ قَالَ: «إِنَّمَا الْوُضُوءُ حَدٌّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ وَمَنْ يَعْصِيهِ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يَنْجَسُهُ شَيْءٌ إِنَّمَا يَكْفِيهِ مِثْلُ الدَّهْنِ»^۱.

طایفه چهارم، روایاتی که بر این دلالت دارند که مس صورت و دست‌ها در هنگام وضو گرفتن، کافی است که روایت ذیل از آن جمله است:

عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي الْوُضُوءِ؛ قَالَ: «إِذَا مَسَّ جِلْدَكَ الْمَاءُ فَحَسْبُكَ»^۲.

تماس پیدا کردن آب با پوست، الزماً با جاری کردن آب یا شستن با آب محقق نمی‌شود، بلکه با مس نیز حاصل می‌شود. به نظر می‌رسد که آنچه که می‌توان در اینجا مطرح کرد این است که باید طایفه سوم و چهارم از روایات [، یعنی روایات مشتمل بر «مس» و «دهن»] توجیه شوند و گرنه این روایات با آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...»^۳ و شهرت بین علما که بر شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها دلالت دارد، منافات نداشته باشد.

توجیه این است که گفته‌اند که روایاتی که مشتمل بر «مس» و «دهن» می‌باشند در مقام بیان کمیت و قلت است، یعنی این روایات می‌خواهند بگویند که اصراف نکنید و به مقدار کم از آب اکتفا کنید. بنابراین، این روایات در مقام بیان کیفیت وضو گرفتن [که به نحو جریان آب یا غسل باشد] نیستند، بلکه در مقام بیان کمیت و قلت می‌باشند لذا مراد از این روایت، بیان قلت در مقابل «اسباغ» [کامل ریختن آب و شاداب وضو گرفتن] است.

«الحمد لله رب العالمين»

۱. همان، باب ۵۲، ص ۴۸۴، ح ۱.

۲. همان، ص ۴۸۵، ح ۳.

۳. «المائدة»: ۶.